

فراتر از خبر

شش ماه پس از آغاز جنگ؛ چهار عامل تعیین‌کننده در آینده رویارویی با ایران

الكس رثوف اوغلو

۰۷/شهریور/۱۴۰۵



نیروهای آمریکایی در جریان محاصره دریایی علیه ایران

شش ماه از آغاز جنگی که با حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز شد، می‌گذرد. این جنگ بازارهای انرژی را تکان داده و کشتیرانی جهانی را مختل کرده، اما هنوز چشمانداز روشنی برای پایان آن وجود ندارد.

این در شرایطی است که اگرچه توانایی‌های نظامی ایران آسیب سنگینی دیده، اما حکومت ایران همچنان در تنگه هرمز اهرم فشار مهمی در اختیار دارد.

کارشناسانی از طیف‌های مختلف سیاست‌گذاری در واشینگتن که با راديو اروپای آزاد/راديو آزادی گفت‌وگو کرده‌اند، می‌گویند مرحله بعدی این رویارویی تا حد زیادی به پاسخ این چهار پرسش بستگی دارد:

• ایران تا چه مدت می‌تواند فشار اقتصادی را تحمل کند؟

• آیا دیپلماسی می‌تواند دستاوردهای نظامی را به یک توافق پایدار تبدیل کند؟

• سرنوشت تنگه هرمز چه خواهد شد؟

• و آیا روسیه و چین به حکومت ایران برای بازسازی توان خود کمک خواهند کرد؟

«یورش اقتصادی»

رابرت هاروارد، دریاسالار بازنشسته و معاون پیشین فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، وضعیت کنونی را «نسبتاً ثابت» توصیف می‌کند، اما می‌گوید زمان به زیان ایران در حرکت است.

او به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی گفت: «زمان بزرگ‌ترین مشکل آن‌ها است.» به گفته هاروارد، اگر فشار اقتصادی ادامه یابد، ممکن است در نهایت خود حکومت ایران را با تهدید داخلی روبه‌رو کند.

مشکلات معیشتی از عوامل اصلی اعتراضات گسترده دی‌ماه ۱۴۰۴ بود؛ اعتراضاتی که حکومت تنها با سرکوب شدید و خشونت‌بار و کشته شدن هزاران معترض فروکش کرد.

دولت آمریکا اکنون نیز رویارویی با ایران را در همین چارچوب پیش می‌برد. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، یک هفته پیش از طرح «عملیات طرد اقتصادی» برای انزوای بیشتر ایران خبر داد و گفت ایالات متحده «یورش اقتصادی» علیه ارتباطات مالی ایران در سراسر جهان را آغاز کرده است.

او قرار است در نشست وزیران دارایی گروه ۲۰ که این هفته در آشویل ایالت کارولینای شمالی برگزار می‌شود، از همتایان خود بخواهد در این فشار بر ایران همراه شوند.

هاروارد می‌گوید اگر حکومت ایران در نهایت برای پرداخت حقوق نیروهای سپاه پاسداران، بسیج و دیگر نهادهای حکومتی با مشکل روبه‌رو شود، یا مردم عادی با کمبود سوخت و دیگر کالاهای ضروری مواجه شوند، فشار اقتصادی می‌تواند به تهدید داخلی برای حکومت تبدیل شود.

به گفته او، فرا رسیدن زمستان ممکن است این فشار را شدیدتر و پیامدهای آن را جدی‌تر کند.

با همه این اوصاف، چین در این میان نقشی محوری دارد.

الین دزنسکی، رئیس مرکز قدرت اقتصادی و مالی در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، می‌گوید روابط اقتصادی چین و ایران اهمیت زیادی دارد، اما این رابطه را نمی‌توان یک اتحاد به معنای سنتی آن دانست.

به گفته او، حدود ۸۰ درصد نفت صادراتی ایران به چین می‌رود، در حالی که نفت ایران تنها حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد از واردات نفت خام چین را تشکیل می‌دهد.

دزنسکی می‌گوید: «اگر چین خرید نفت ایران را متوقف کند... تأثیر بسیار بزرگی خواهد داشت.» با این حال، پکن تاکنون در برابر فشار آمریکا برای محدود کردن روابط تجاری‌اش با تهران مقاومت کرده است.

این موضوع در بلندمدت بُعد مالی دیگری هم دارد. فروش نفت ایران به یوان و انجام پرداخت‌ها از طریق سازوکارهایی خارج از شبکه دلار آمریکا می‌تواند به تقویت زیرساخت‌های مالی جایگزین کمک کند.

دزنسکی می‌گوید: «شیوه‌ای که ایران این معاملات را انجام می‌دهد و نحوه حمایت چین از این معاملات، تلاشی است برای این‌که واقعاً نقش دلار آمریکا در بازار جهانی انرژی تضعیف شود.»

آیا دیپلماسی ممکن است دوباره احیا شود؟

احتمال اقدام نظامی بیشتر همچنان منتفی نیست، اما اظهارات مقام‌های دولت آمریکا نشان می‌دهد که شاید عملیات نظامی تا حد زیادی به مرز اثربخشی خود رسیده باشد. به بیان ساده‌تر، دیگر اهداف زیادی برای حمله باقی نمانده است.

مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا، اواسط خرداد امسال گفت پایگاه صنعتی - دفاعی ایران دچار «ویرانی گسترده» شده و «۸۰ تا ۹۰ درصد آن از بین رفته است». دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ابتدا گفت ۹۰ درصد موشک‌ها و پرتابگرهای ایران نابود شده‌اند و بعدتر این رقم را ۸۲ درصد اعلام کرد. او همچنین بارها گفته است نیروی دریایی ایران نابود شده است.

با این همه، آن‌چه از توان نظامی ایران باقی مانده، همچنان برای مختل کردن عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز کافی بوده است.

بردلی بومن، مدیر ارشد مرکز قدرت نظامی و سیاسی در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، می‌گوید باید میان تضعیف توان نظامی ایران و رسیدن به یک نتیجه سیاسی پایدار تفاوت قائل شد.

او به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی می‌گوید: «آمریکا همواره در خاورمیانه برای تبدیل موفقیت در میدان نبرد به نتایج سیاسی مثبت و پایدار با مشکل روبه‌رو بوده است. ما اغلب در میدان جنگ پیروز می‌شویم و پشت میز مذاکره می‌بازیم.»

به گفته بومن، هرگونه تحول سیاسی پایدار در ایران نیازمند اقدام قاطع خود ایرانیان است. به گفته او، در واشینگتن اراده سیاسی برای اعزام «هزاران هزار» نیروی نظامی به ایران و تحمل تلفات چنین عملیاتی وجود ندارد.

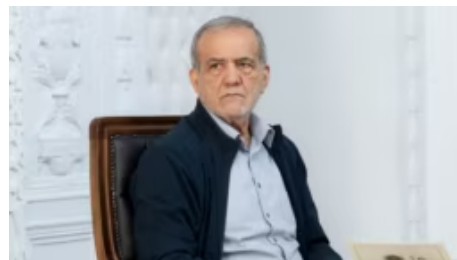
بومن همچنین می‌گوید این جنگ نشان داده است که آمریکا چه حجم بالایی از تسلیحات را مصرف می‌کند و همین موضوع پرسش‌هایی درباره میزان مهمات تهاجمی و دفاعی موجود برای دیگر جبهه‌های احتمالی برانگیخته است.

در عین حال، از ایران پیام‌های متفاوتی شنیده می‌شود.

برخی بخش‌های حکومت، از جمله سپاه پاسداران، ظاهراً عجله‌ای برای پیشبرد مذاکرات پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر آمریکا ندارند. در مقابل، شماری دیگر از چهره‌های مهم حکومت در هفته‌های اخیر بارها درباره فشار اقتصادی و ضرورت احیای دیپلماسی سخن گفته‌اند.

بیشتر در این باره:

مسعود پزشکیان می‌گوید بهتر است جنگ با آمریکا را امروز پایان دهیم



هرمز؛ مهم‌ترین اهرم ایران

جودت بهجت، استاد امور امنیت ملی در مرکز مطالعات خاور نزدیک و جنوب آسیای دانشگاه دفاع ملی آمریکا، می‌گوید شاید مهم‌ترین تحول شش ماه گذشته این باشد که تنگه هرمز به اصلی‌ترین ابزار چانه‌زنی باقی‌مانده برای ایران تبدیل شده است.

او می‌گوید: «حتی اگر توافقی موقت امضا شود، موقت خواهد بود، اما آن‌ها در آینده نیز تهدید به بستن تنگه را ادامه خواهند داد.»

به‌طور معمول حدود یک‌پنجم نفت جهان، گاز طبیعی مایع و دیگر کالاهای حیاتی از این آبراه عبور می‌کند. اختلال در تنگه هرمز برای آمریکا نیز هزینه اقتصادی دارد، زیرا افزایش قیمت‌ها در بازارهای جهانی به بالا رفتن بهای بنزین منجر می‌شود.

عرض تنگه هرمز در باریک‌ترین نقطه تنها حدود ۳۹ کیلومتر است. ایران و عمان هر دو بر اساس کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد، موسوم به «آنکولوس»، حداکثر ۲۲.۲ کیلومتر را به‌عنوان آب‌های سرزمینی خود مطالبه می‌کنند. به این ترتیب، در این محدوده عملاً آب بین‌المللی وجود ندارد.

بر اساس آنکولوس، کشتی‌های تجاری از حق عبور ترانزیتی برخوردارند و نباید مسیر آن‌ها مسدود شود. تهران اما هرگز این کنوانسیون را تصویب نکرده و می‌گوید به آن متعهد نیست. ایالات متحده نیز آن را تصویب نکرده است.

جودت بهجت می‌گوید کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس ممکن است در نهایت برای رسیدن به ترتیباتی که ثبات را بازگرداند، فشار بیاورند؛ حتی اگر چنین ترتیباتی به نوعی نقش ایران در تنگه را رسمیت ببخشد. به‌گفته او، اولویت این کشورها بازگشت ثبات اقتصادی است.

پرسش دشوارتر این است که آیا واشینگتن می‌تواند نوعی کنترل ایران بر این آبراه یا برخورداری تهران از منافع اقتصادی آن را بپذیرد یا نه.

بومن می‌گوید آنچه در عمل اهمیت دارد این است که ناخدایان کشتی‌های تجاری و شرکت‌های بیمه مسیر تنگه هرمز را امن بدانند.

بنابراین، حکومت ایران لزوماً نیازی ندارد تنگه را به‌طور کامل ببندد. حملات پراکنده موشکی یا پهپادی می‌تواند هزینه بیمه را بالا ببرد و کشتی‌ها را از عبور منصرف کند. حمله به زیرساخت‌های کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز می‌تواند فشار بیشتری بر کشورهای وارد کند که با آمریکا همکاری می‌کنند.

بومن می‌گوید: «این عملاً باعث می‌شود شرکای عرب آمریکا به ابزاری برای اعمال فشار ایران بر آمریکا تبدیل شوند.»»

کمک روسیه و چین به ایران

پرسش مهم دیگر این است که آیا شرکای خارجی ایران می‌توانند به تهران برای بازسازی توان خود کمک کنند یا نه.

بومن می‌گوید ارسال مواد اولیه شیمیایی (مورد نیاز برای تولید برخی تجهیزات و تسلیحات) از چین و ارائه اطلاعات هدف‌گیری و پشتیبانی پهپادی از سوی روسیه، نشانه افزایش این کمک‌هاست.

به‌گفته او، مسکو در حال بررسی تحویل جنگنده‌های سوخو-۳۵ به ایران است و پکن نیز ممکن است از تأمین مواد دارای کاربرد دوگانه فراتر برود و به ارسال سلاح و مهمات آماده روی آورد.

او می‌گوید ادامه این حمایت تا حد زیادی به این بستگی دارد که پکن و مسکو واکنش احتمالی آمریکا را چگونه ارزیابی کنند.

بومن می‌گوید: «مهم‌ترین چیزی که چین از آن می‌ترسد، تحریم‌های ثانویه ایالات متحده است.»

اظهارات اخیر اسکات بسنت نیز به احتمال اعمال چنین تحریم‌هایی اشاره داشت، اما این اقدامات می‌تواند با واکنش متقابل چین روبه‌رو شود و هنوز روشن نیست واشینگتن تا چه اندازه حاضر است فشار از این نوع را افزایش دهد.

به‌گفتهٔ بومن، بازسازی توان نظامی ایران را نمی‌توان جدا از شبکه گسترده‌تری دید که از حکومت ایران حمایت می‌کند.

در پژوهشی به سرپرستی بومن، ۶۱۶ نمونه از همکاری‌های امنیتی میان چین، روسیه، ایران و کره شمالی در فاصله ژانویه ۲۰۱۹ تا دسامبر ۲۰۲۵ شناسایی شده است. این همکاری‌ها از توسعه و انتقال سلاح و برگزاری رزمایش‌های مشترک گرفته تا تبادل اطلاعات و همکاری‌های نظامی و دیپلماتیک را شامل می‌شود.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

سیاسی